



وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهُ قَانِتُونَ

- ۷۳ مردم‌سالاری دینی؛ فضیلت‌ها و مزیت‌ها
دکتر علی شیرخانی
- ۷۹ مردم‌سالاری هدایت‌شده؛ جایگاه عقل و شرع
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر غلامرضا بهروز لک
- ۸۳ مردم‌سالاری اسلامی؛ مفهوم‌شناسی، تمایز‌شناسی و ارزش‌شناسی
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محسن رضوانی
- ۸۹ کندو کاوی در نهج البلاغه زمینه‌های مردم‌سالاری دینی در اندیشه‌ی امام‌علی (ع)
حجت‌الاسلام والمسلمین هادی عباسی
- ۹۳ مردم‌سالاری دینی؛ ماهیت، هویت و هدف
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسین یوریانی
- ۹۷ نظام مردم‌سالاری دینی؛ مشروعیت، معقولیت و مقبولیت
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالعلی رضایی
- ۱۰۳ جایگاه آزادی در مردم‌سالاری دینی
دکتر شریف لک‌زایی
- ۱۰۷ ناهمسانی مردم‌سالاری دینی و غربی؛ ریشه‌ها و علائم
حجت‌الاسلام والمسلمین محمد جواد نوروزی
- ۱۱۳ جایگاه مردم در اندیشه‌ی سیاسی ابن سینا
طیبه محمدی کیا
- ۱۲۷ گمگشته‌های مردم‌سالاری غربی؛ وحی و عدالت
حجت‌الاسلام والمسلمین حسن غفاری فر
- ۱۱ مردم‌سالاری در گفتمان فکری مقام معظم رهبری
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا شریعتمداری
- ۲۱ مردم‌سالاری دینی و غیر دینی؛ وجوه تمایز و تشابه
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محسن مهاجرنیا
- ۲۵ مردم‌سالاری دینی؛ معنا، کارکرد و وجوه تمایز
دکتر محمد محمدرضایی
- ۲۹ دلالت‌های مردم‌سالاری دینی حکومتی بر آمده از ارزش‌ها یا روشی برای تحقق مردم‌سالاری؟
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر منصور میراحمدی
- ۳۵ مبنای مشروعیت در مردم‌سالاری دینی
حجت‌الاسلام والمسلمین محسن غرویان
- ۴۱ دینی‌سازی نهاد سیاست؛ غوری در نسبت دین و سیاست
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ابوالفضل ساجدی
- ۴۷ مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری لیبرال؛ منزلت و مرتبت عدالت در نزد آن دو
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید کاظم سیدباقری
- ۵۲ اندیشه‌ی مردم‌سالاری دینی؛ پایایی و پویایی
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن خیری
- ۶۱ مردم‌سالاری دینی از دیدگاه حضرت علی (ع)
حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسین هاشمی
- ۶۹ مردم‌سالاری و دین؛ احتمالات نظری معطوف به مردم‌سالاری دینی
دکتر عبدالوهاب فراتی



دارای موافقت قطعی از
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

مدیر مسؤل:

رضا غلامی

سر دبیر:

عطاالله رفیعی آتانی

جانشین سر دبیر:

علی آقاپور

دبیر ویژه این شماره: دکتر عبدالمجید مبلغی

مدیر فنی و هنری:

یوسف بهرخ

عکس:

آرشیو فصلنامه

تحریریه‌ی این شماره:

قاسم جعفرزاده، جعفر مروجی، محمدعلی

نجفی، علی ذوالفقاری، علی اصغر میرزاپور،

عباس عمادی، علیرضا نائیج.

چیستی و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی

۱۴۱

دکتر مهدی امیدی



تلقی‌های متفاوت از مردم‌سالاری دینی؛

۱۴۷

نسبت‌سنجی مردم‌سالاری و مردم‌سالاری دینی
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ذبیح‌اله نعیمیان



دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری خصوصیات کارگزاران دولت اسلامی در بیان مقام معظم رهبری

۱۳۱

قاسم جعفرزاده



چند گزاره‌ی مردم‌سالاری دینی از دیدگاه آیت‌الله شیخ محمدهادی معرفت

۱۳۵

محمدعلی نجفی کرمانشاهی



گفت و گو

مردم‌سالاری دینی؛ اندیشه‌ای فاخر ولی مظلوم

۱۷۵

گفت‌وگو با دکتر عظیم عابدینی



جایگاه‌شناسی رده‌ها در نظام مردم‌سالاری دینی

۱۵۵

گفت‌وگو با آیت‌الله حسن ممدوحی



مردم‌سالاری دینی؛ و شالوده‌های نظری آن

۱۸۵

گفت‌وگو با دکتر پرویز امینی



مردم‌سالاری دینی در نهج‌البلاغه

۱۵۹

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجمال‌الدین دین‌پرور



نظام مردم‌سالاری دینی؛ مانعی مستحکم بر سر راه استبداد و خودکامگی

۱۹۱

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین رضاغلامی



مردم‌سالاری دینی؛ زمینه و زمانه

۱۶۵

گفت‌وگو با دکتر محمدباقر خرمشاد



معرفی کتاب

مجموعه مقالات اولین همایش ملی مردم‌سالاری دینی

۲۱۷

معرفی: م. مختاری



مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

۲۰۷

معرفی و نقد: دکتر احمد جنت‌امانی



گزارشی از سومین همایش ملی نظریه مردم‌سالاری دینی

۲۲۱

حجت‌الاسلام والمسلمین داود رنجبران



مهار قدرت در مردم‌سالاری دینی بر اساس دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و قانون اساسی

۲۱۳

معرفی: م. مختاری



■ نشانی مجازی:
www.sccsf.ac.ir
■ پست الکترونیکی:
mag@sccsf.ac.ir
■ شماره تماس:
۰۲۱ - ۶۶۴۰۹۰۵۶ تهران
۰۲۵ - ۳۲۹۱۲۹۱۰ قم

■ نوشتارهای آمده در نشریه، بیان‌گر دیدگاه‌های نویسندگان است.
■ این فصلنامه در چکیده‌سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.
■ استفاده از مطالب فصلنامه، با یاد منبع، مانعی ندارد.
■ مقالات و مطالب ارسالی بازگردانده نخواهد شد.
■ تذکر: بر اساس موافقت اداره کل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از این پس نام این فصلنامه از پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی (صدرا) به فصلنامه علوم انسانی اسلامی (صدرا) تغییر می‌یابد.

■ مرکز پخش:
سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
■ تلفن مرکز پخش:
۸۸۷۳۰۴۴۶
■ نشانی:
خیابان جمهوری اسلامی، خیابان شهید کشور دوست،
کوچه نوشیروان، شماره ۲۶، طبقه چهارم
■ کد پستی:
۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

ضرورت ادبیات پژوهی مردم‌سالاری دینی

دکتر عبدالمجید مبلغی

دبیر ویژه این شماره

جمهوری اسلامی ایران معرف نگاه و رویکردی دین‌مدارانه به مردم‌سالاری است. اسلامیت و جمهوریت، در ساختار این نظام مقدس تحقق یافته‌اند و ضمن نظریه‌ی پیشروانه حکومت اسلامی توجه هم‌زمان به امر الهی و خواست مردمی در آن عینیت پیدا کرده است. دین مبین اسلام، برخلاف نسخه‌های دردسترس و تحریف‌گردیده‌ی ادیان دیگر، توجه به دنیا را به مثابه مزرعه‌ی آخرت مورد تأکید قرار داده است و رویکرد به آخرت را ضمن آبادانی دنیا طلب نموده است.

واقعیت آن است که رویکرد به عمران دنیا در ارتباط با دین اسلام ابعادی دقیق و ظریف می‌یابد. طرح مباحث اجتماعی و سیاسی به مثابه امری مرکزی در اسلام توسط حضرت امام (ره) مهم‌ترین دست‌آورد تاریخی ما در پیشبرد این اندیشه است. حضرت امام (ره)، ضمن طرح نظریه‌ی حکومت دینی، گامی بزرگ در این مسیر برداشتند و تحولی تاریخی و

تاریخ‌ساز را سبب شدند. نظریه‌ی مردم‌سالاری دینی بیانگر چنین نگاهی به اندیشه اسلامی است.

رویکرد اسلامی به مردم‌سالاری، حاصل آسیب‌شناسی رویکرد غربی از مردم‌سالاری نیز هست. مفهوم مردم‌سالاری در اندیشه‌ی غربی مبتنی بر درکی مادی‌اندیشانه از زندگی بشر شکل گرفته است و چشم‌اندازهای سیاست‌ورزی در ساحت اجتماع را محدود به نگاه‌های کوتاه‌بین مادی نموده است. اتفاقاً فقدان دوراندیشی معنوی سبب‌ساز آن شده است که این نظریه دچار مشکلات عدیده‌ای شود؛ چرا که عدم رویکرد به معنویت، رویکرد خودخواهانه را در این اندیشه نتیجه داده است. این آسیب (نقصان مفهوم مردم‌سالاری در اندیشه‌ی غربی به دلیل عدم لحاظ معنویت در آن) خود آسیبی دیگر را سبب شده است؛ آسیبی که از آن می‌توان ذیل عنوان «تاسیس حکومت غیرفضیلت‌مدار» نام برد.

کوتاه‌سخن آنکه مردم‌سالاری دینی حاصل رویکرد به اراده‌ی الهی و خواست مردم، به شرط عدم مخالفت این خواست با اراده‌ی الهی، است. در این نوع از حکومت،

ضمن پایبندی به خواست مردم در حوزه‌های مشخص، دین به مثابه منبع ایجادکننده‌ی مشروعیت طرح می‌شود. شکل‌گیری چنین وضعیتی در عرصه خطیر سیاست هنگامی عملی می‌شود که علاوه بر توجه به مردم، به امر قدسی به مثابه مبنای مرکزی مشروعیت توجه شود. مردم‌سالاری دینی، در غایت خود، بیانگر تلاشی این چنین برای گسترش دین‌خواهی در سطوح مختلف جامعه و عرصه‌ی عمومی است.

تاکید مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر مبحث مردم‌سالاری دینی به مثابه شیوه‌ی مطلوب حکومت در نظام مبتنی بر نظریه‌ی ولایت فقیه بیانگر اهمیت و جایگاه این مبحث مهم و کلیدی در مقایسه با دیگر حوزه‌های مطالعاتی در کشور است. اکنون شاهد آن هستیم که در استقبال از اندیشه‌ی معظم‌له، در سال‌های اخیر، ادبیات پژوهشی در این حوزه‌ی مطالعاتی گسترشی کمی و کیفی را تجربه کرده است؛ با این حال و به رغم این گسترش ارزشمند و قابل ستایش، به نظر می‌رسد همچنان تصویر موثری از

این تلاش پژوهشی در بخش‌هایی از جامعه‌ی علمی کشور، همسان با موفقیت‌های علمی حاصل آمده، فراهم نیامده است.

از جمله دلایل رخداد چنین وضعیتی تمرکز ناکافی بر عرضه‌ی فاخر نتایج چنین مطالعاتی، به شیوه‌ای سازگار با نصاب‌های علمی موجود در انجام این مهم، بوده است؛ از این‌روی ارایه‌ی نتایج مطالعات صورت گرفته در این حوزه از اولویتی جدی برخوردار می‌باشد و رویکرد به آن گامی موثر در جهت ارتقاء ادبیات علمی مطالعه‌ی مردم‌سالاری دینی به حساب می‌آید.

شماره‌ی ویژه مردم‌سالاری دینی فصلنامه‌ی «علوم انسانی اسلامی» ذیل چنین درکی سامان یافته است. در این شماره کوشیده‌ایم تا شناختی بی‌واسطه، معتبر و جانمایه‌دار از تلاش‌های علمی رخ داده در ارتباط با جریان روبه‌رشد و پر رونق مطالعه‌ی مردم‌سالاری دینی در کشور فراهم آوریم و به این ترتیب، گامی در مسیر توسعه‌ی ادبیات این مبحث کلیدی پژوهشی برداریم. جهت انجام این مهم وجهه‌ی همت هیئت تحریریه‌ی این شماره آن بوده است که، با اتخاذ رویکردی سخت‌گیرانه در فرایند سفارش مطالب علمی و آثار حاوی نکات پژوهشی از یک سوی و مدیریت علمی مباحث فراهم آمده جهت عرضه‌ی فاخر از سوی دیگر، بستر مناسبی را جهت دسترسی جامعه‌ی علمی کشور به برخی

از دست‌آوردهای مطالعات انجام گرفته یا در حال انجام در ارتباط با مردم‌سالاری دینی فراهم آورد.

اکنون که به نتیجه‌ی کار می‌نگریم می‌توانیم تایید کنیم که در این شماره در مطالعه‌ی مردم‌سالاری دینی به حوزه‌های مختلف این مقوله ورود گردیده است و این مبحث از مناظر مختلف رصد شده است. به صورت مشخص می‌توان گفت که آنچه اکنون عرضه می‌گردد بیانگر رویکرد مجله در بررسی مردم‌سالاری دینی در این حوزه‌ها است: طرح و بررسی مردم‌سالاری دینی به مثابه ساختار سیاسی برآمده از اندیشه‌ی دینی در نظام مبتنی بر اصل مترقی ولایت فقیه، تحقیق و تدقیق در بیانات و رهنمودهای ارزشمند و عالمانه‌ی مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در ارتباط با مردم‌سالاری دینی، بررسی مبادی نظری و زمینه‌های معرفتی رویکرد به مردم‌سالاری دینی، تلاش و کوشش جهت شناسایی مردم‌سالاری دینی از دل اندیشه‌ی درون دینی و بررسی زمینه‌های حدیثی و روایی رویکرد به آن، توضیح مردم‌سالاری دینی به مثابه نظام تئوریک رقیب برای مردم‌سالاری غیردینی، آسیب‌شناسی نظریه مردم‌سالاری مطلق یا غربی و بررسی منطق ترجیح نظریه‌ی مردم‌سالاری دینی بر مردم‌سالاری غیردینی، مطالعه‌ی مردم‌سالاری دینی به مثابه نقشه‌ی راه اندیشه‌ای کشور در راه حرکت به سمت آینده، توضیح و مطالعه‌ی

مردم‌سالاری دینی در ارتباط با پویایی‌های اندیشه‌ی پیشروانه‌ی شیعی و نیز بررسی ارتباط آن با نظریه سیاسی شیعه که منجر به شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی شده است و، نهایتاً، رویکرد به مردم‌سالاری دینی به مثابه معبر تحقق پیشرفت اسلامی سازگار با عدالت در جامعه اسلامی.

همین‌جا بر خود فرض و ضروری می‌بینم که مراتب تشکر و قدردانی خویش را از اهل علم و دانشی که در این شماره از مجله علوم انسانی اسلامی با نگارش مقاله، ارایه یادداشت، عرضه نقد کتاب و یا انجام مصاحبه مجموعه‌ای درخور را فراهم آوردند اعلام دارم. پرواضح است که آنچه هم‌اکنون پیشروی شماست بیش و پیش از هر چیز حاصل همدلی و مساهمت این بزرگواران در عرضه تاملات نظری خویش به ما است.

امید آنکه آنچه اکنون به زیور طبع می‌آید و به پیشگاه مخاطبان فرهیخته و اهل دقت مجله تقدیم می‌گردد مقبول طبع بلند ایشان واقع شود و اگر ناخواسته و نادانسته خطایی در کار رفته است آن را بر ما ببخشند. در پایان یادآور شوم که ارایه‌ی انتقاد از جانب مخاطبان و خوانندگان گرامی منتهی است بر دوش ما که قدر آن را خواهیم دانست و از آن بهره خواهیم برد. بی‌گمان بذل چنین توجهی از جانب خوانندگان گرانمایه‌ی مجله به توفیق آن کمک خواهد نمود. □



مقاله‌ها



مردم‌سالاری اسلامی؛
مفهوم‌شناسی، تمایز شناسی و ارزش شناسی
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محسن رضوانی

۸۳



مردم‌سالاری در گفتمان فکری مقام معظم رهبری
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا شریعتمداری

۱۱



کند و کاوی در نهج‌البلاغه
زمینه‌های مردم‌سالاری دینی در اندیشه‌ی امام علی (ع)
حجت‌الاسلام والمسلمین هادی عباسی

۸۹



مردم‌سالاری دینی و غیر دینی؛
وجوه تمایز و تشابه
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر میهن‌نیا

۲۱



مردم‌سالاری دینی؛
ماهیت، هویت و هدف
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسین پوریانی

۹۳



مردم‌سالاری دینی؛
معنا، کارکرد و وجود تمایز
دکتر محمد محمدرضایی

۲۵



نظام مردم‌سالاری دینی؛
مشروعیت، معقولیت و مقبولیت
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالعلی رضایی

۹۷



دلالت‌های مردم‌سالاری دینی
حکومتی برآمده از ارزش‌ها یا روشی برای تحقق مردم‌سالاری؟
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر منصور میراحمدی

۲۹



منزلت و جایگاه آزادی در مردم‌سالاری دینی
دکتر شریف‌لک‌زایی

۱۰۳



مبنای مشروعیت در مردم‌سالاری دینی
حجت‌الاسلام والمسلمین محسن غرویان

۳۵



ناهمسانی مردم‌سالاری دینی و غربی؛
ریشه‌ها و علائم
حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد نوروزی

۱۰۷



دینی‌سازی نهاد سیاست؛
غوری در نسبت دین و سیاست
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ابوالفضل ساجدی

۴۱



جایگاه مردم در اندیشه‌ی سیاسی ابن‌سینا
طیبه محمدی‌کیا

۱۱۳



مردم‌سالاری دینی؛ مردم‌سالاری لیبرال؛
منزلت و مرتبت عدالت در نزد آن دو
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدکاظم سیدباقری

۴۷



گم‌گشته‌های مردم‌سالاری غربی؛
وحی و عدالت
حجت‌الاسلام والمسلمین حسن غفاری‌فر

۱۲۷



اندیشه‌ی مردم‌سالاری دینی؛
پایایی و پویایی
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن خیری

۵۲



دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری
خصوصیات کارگزاران دولت اسلامی در بیان مقام معظم رهبری
قاسم جعفرزاده

۱۳۱



مردم‌سالاری دینی از دیدگاه امام علی (ع)
حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین هاشمی

۶۱



چندگزاره‌ی مردم‌سالاری دینی
از دیدگاه آیت‌الله شیخ محمدهادی معرفت
محمدعلی نجفی کرمانشاهی

۱۳۵



مردم‌سالاری و دین؛
احتمالات نظری معطوف به مردم‌سالاری دینی
دکتر عبدالوهاب فراتی

۶۹



چیستی و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی
دکتر مهدی امیدی

۱۴۱



مردم‌سالاری دینی؛ فضیلت‌ها و مزیت‌ها
دکتر علی شیرخانی

۷۳



تلقی‌های متفاوت از مردم‌سالاری دینی؛
نسبت‌سنجی مردم‌سالاری و مردم‌سالاری دینی
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ذبیح‌الله نعیمی‌ان

۱۴۷



مردم‌سالاری هدایت‌شده؛
جایگاه عقل و شرع
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر غلامرضا بهروز لک

۷۹

مردم‌سالاری در گفتمان فکری مقام معظم رهبری

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا شریعتمداری*

چکیده

این نوشتار به بررسی اندیشه‌ها و نصایح مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به مسئولین نظام اسلامی پرداخته است. نویسنده کوشیده است ذیل نقل اندیشه‌های معظم‌له، در قالب «نظریه‌ی حکومت دینی» عرصه‌ی مسئولیت‌های کارگزاران حکومت دینی را توضیح دهد. واژگان کلیدی: دین، دولت، حکومت اسلامی، مردم‌سالاری دینی و...

مردم‌سالاری و دموکراسی نامیده‌اند. «دموکراسی» واژه‌ای یونانی است که در قرن شانزدهم، از طریق واژه‌ی فرانسوی «دموکراتی»، وارد زبان انگلیسی شد. در زبان یونانی، دموس یعنی مردم و کراسی یعنی حکومت کردن. اساس دموکراسی بر آزادی افکار و عقاید و سرچشمه گرفتن حکومت از مردم استوار است.

در کشوری که حکومت آن مردم‌سالار یا به تعبیر دیگر «دموکراتیک» است، مردم با شرکت در انتخابات، رهبران و سران حکومت را برای دوره‌ای مشخص تعیین

بر میانی و ابعاد مردم‌سالاری دینی و شاخصه‌های آن خواهیم کرد.

مردم‌سالاری (دموکراسی)

نمی‌توان یک تعریف مشخص از مردم‌سالاری (دموکراسی) ارائه داد؛ زیرا برداشت‌های متفاوتی از این واژه ارایه شده است. شاید به این دلیل که ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و مذهبی هر منطقه و کشور، در چگونگی شکل‌گیری یک مفهوم تأثیر بسیار مهمی دارد. در مجموع، آن نظام سیاسی را که در آن مردم بر خود حکومت می‌کنند،

انقلاب اسلامی، واژگان و مفاهیم جدیدی را در علوم انسانی و سیاست مطرح کرد؛ مفاهیمی که در فرهنگ سیاسی معاصر که نشئت گرفته از اندیشه‌ی غرب است، سابقه نداشت یا در معنای دیگری به کار برده می‌شد. از جمله این اصطلاحات، واژه‌ی مردم‌سالاری دینی است که نیاز به تحقیق و تبیین فراوان دارد. هدف از این نوشته بررسی مفهوم مردم‌سالاری دینی است که به این منظور و برای درک بهتر این مفهوم، ابتدا نگاهی کوتاه به مفاهیم مردم‌سالاری و دین خواهیم داشت و سپس مروری کوتاه

مردم‌سالاری دینی و غیر دینی؛ وجوه تمایز و تشابه

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محسن مهاجرنیا*

چکیده

این نوشتار به مبحث معناشناسی مردم‌سالاری دینی، و نحوه فهم صحیح آن، و مؤلفه‌های این ایده پرداخته است. از جمله مباحث مورد اهتمام در این نوشتار دفاع از بسیط، و غیر ترکیبی بودن، مردم‌سالاری دینی و توضیح برخی عناصر سازنده این ایده است. واژگان کلیدی: مردم‌سالاری دینی، دموکراسی، اومانیسیم، شایسته‌سالاری

پیش‌درآمد

مبحث مردم‌سالاری دینی در چند دهه‌ی اخیر در محافل علمی و در عرصه جهانی به صورت قابل توجهی مطرح شده است؛ مخصوصاً از سال ۱۳۴۷، که شبه‌قاره‌ی هند تجزیه گردید و کشور نوپنیا پاکستان از هندوستان جدا شد، این بحث مورد توجهی جدی واقع شد. در واقع زمانی که می‌خواستند نوع حکومت پاکستان را تعیین کنند، بحث جمهوری اسلامی مطرح شد و متفکر بزرگ، ابوالعالی مودودی، مدل تئودموکراسی، که ترجمه

انگلیسی مردم‌سالاری دینی است، را مطرح کرد. پس از آن در کشورهای سومالی، افغانستان و از همه مهم‌تر و جدی‌تر، در ایران مدل حکومتی جمهوری اسلامی مطرح گردید. ذیلاً، در نوشتاری که می‌آید، به بررسی این مفهوم مهم معاصر می‌پردازیم.

معنای مردم‌سالاری دینی

همواره دو دیدگاه در مورد مردم‌سالاری دینی وجود داشته است. یک نگاه، نگاه ترکیبی است. مطابق نگاه ترکیبی برخی از مسائل را باید از غرب گرفت و رنگ و لعاب اسلامی

بر آن زد؛ مثلاً همانند کشورهای غربی، حزب و فعالیت‌های حزبی باید داشت؛ هرچند فعالیت‌های احزاب، اسلامی است. مطابق این برداشت در مردم‌سالاری دینی هم وضعیت این‌گونه است. از آنجا که در غرب دموکراسی تجربه شده است و، مطابق مدعای این رویکرد، آخرین طرح بشر برای حکومت است که غربیان تا حدود زیادی توانسته‌اند معایب آن را برطرف کنند، ما می‌توانیم، و ای بسا باید، از این مدل استفاده کنیم.

در یونان باستان، دموکراسی طرفداران زیادی داشت؛ تا آن‌جا که

مردم‌سالاری دینی؛ معنا، کارکرد و وجوه تمایز

دکتر محمد محمدرضایی*

چکیده

این نوشتار در پی توضیح معنا و کارکرد مردم‌سالاری دینی است. جهت انجام این مهم، در فراز نخست، انواع حکومت‌ها مورد بحث قرار گرفته است؛ توضیح حکومت پادشاهی و معایب آن و بررسی حکومت مردم‌سالاری مطلق و معایب و مزایای آن حاصل مباحث نخستین نوشتار است. نوشتار در فراز بعدی به مردم‌سالاری دینی، به مثابه نظریه‌ای که محاسن مردم‌سالاری مطلق را دارد اما معایب آن را ندارد می‌پردازد. واژگان کلیدی: مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری غربی، حکومت اسلامی، حکومت پادشاهی و...

لازمه‌ی تشکیل زندگی اجتماعی، برخورداری از حکومت، به مثابه نهاد اداره‌ی جامعه، است. هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که بدون تشکیل حکومت به پیشرفت نائل شده باشد؛ حتی در جوامع بدوی هم نقش رهبر به وضوح دیده می‌شود. جامعه بدون حاکمیت دچار هرج و مرج می‌شود؛ حتی می‌توان گفت که زندگی در چنین جامعه‌ای تقریباً غیرممکن است. این نکته نیز نشان می‌دهد که لازمه‌ی زندگی اجتماعی، داشتن حکومت است؛ قرآن و سیره‌ی ائمه(ع) هم بر این نکته صحه گذاشته‌اند. قرآن مجید

طبیعت آنان به این صورت است؛ ولی انسان بدون زندگی اجتماعی نمی‌تواند صفات پسندیده بشری خود را به کمال برساند. یکی از آن کمالات، عالم شدن و تحصیل آگاهی است. این امر بدون داشتن زندگی اجتماعی محال است. اگر انسان ناگزیر بود که تمامی معارف را از نو ابداع کند، نمی‌توانست پیشرفت بکند. ارث بردن معارف از گذشته، کمک شایان توجهی به پیشبرد علوم و کمالات بشر کرده است. بنابراین عاقل بودن انسان مساوی است با اجتماعی بودن او و آگاهی یافتن وی از زندگی تابعی است از زندگی اجتماعی.

فلاسفه انسان را حیوان ناطق و عاقل معرفی کرده‌اند. عقلانیت لازمه‌ی زندگی اجتماعی است و عقل، امتیاز انسان نسبت به سایر حیوانات است؛ با این حال این عقل بالقوه است و انسان‌ها وظیفه دارند که آن را به فعلیت برسانند.

پس از بررسی اجتماعات بشری درمی‌یابیم که حضور جدی در مراحل مختلف زندگی اجتماعی برای تکامل فکری ما ضروری است. برخی از حیوانات به صورت انفرادی زندگی می‌کنند و در زندگی خود با مشکلی هم مواجه نمی‌شوند؛ زیرا اقتضاء

دلالت‌های مردم‌سالاری دینی

حکومتی برآمده از ارزش‌ها یا روشی برای تحقق مردم‌سالاری؟

حجت الاسلام والمسلمین دکتر منصور میراحمدی*

چکیده

این نوشتار به بررسی نظریه‌های مردم‌سالاری دینی پرداخته است. فهم مردم‌سالاری به مثابه یک روش یا ارزش و توضیح نحوه شکل‌گیری اندیشه مردم‌سالاری دینی مطابق با هر یک از این دو رویکرد و نیز فهم مردم‌سالاری دینی به مثابه یک گفتمان، که آرایش ویژه دال‌ها در آن معنایش را معین و مقرر می‌سازد، از جمله مباحثی است که در نوشتار آمده است.

واژگان کلیدی: مردم‌سالاری دینی، گفتمان مردم‌سالاری، مردم‌سالاری به مثابه روش، مردم‌سالاری به مثابه ارزش و...

صورت گرفته است. برخی هنگام صحبت از دموکراسی، مقصودشان مدلی از نظام سیاسی است که برآمده از یک فلسفه‌ی سیاسی خاص است؛ فلسفه‌ی سیاسی خاصی که مطابق آن دموکراسی به مثابه یک روش است. در واقع در برخی از موارد به الگوی رفتاری توجه می‌شود و با در نظر گرفتن نوع مناسبات سیاسی و

می‌دهم، رویکرد غالب است. رویکردی که مقالات و کتاب‌هایی که بعد از طرح مردم‌سالاری دینی در ایران نوشته شده است، به آن تعلق دارد. طرفداران این رویکرد مردم‌سالاری را به منزله‌ی روش می‌دانند؛ برخلاف برخی که مردم‌سالاری را به مثابه ارزش قبول دارند؛ البته این تفکیک در غرب هم در مورد دموکراسی

در بررسی مردم‌سالاری دینی با مباحث مختلف مواجه هستیم. از جمله این مباحث، بحث مفهوم‌شناسی و متعاقب آن، انجام مطالعه‌ی تطبیقی‌ای است که به طور مشخص در جمهوری اسلامی از آن صحبت می‌شود. کسانی که مردم‌سالاری دینی را پذیرفته‌اند، دارای دو رویکرد هستند: رویکرد اولی که توضیح

مبنای مشروعیت در مردم‌سالاری دینی

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن غروی‌ان*

چکیده

L بررسی معنای مشروعیت در مردم‌سالاری دینی موضوع این نوشتار است. نوشتار ایده‌ی «مشروعیت پلکانی» را در مردم‌سالاری دینی پیشنهاد می‌دهد. واژگان کلیدی: مشروعیت، انتصاب، انتخاب، مشروعیت پلکانی، مردم‌سالاری دینی و...

ترکیب ناظر بر این نکته‌ی نظری است که در مشروعیت حکومت در نظام اسلامی، هم مردم و هم دین نقش دارند. این نکته را از رویکرد فکری معظم‌له می‌توان دانست و دریافت.

نظریه‌ی انتصاب و انتخاب

در باب حکومت دینی و ولایت فقیه دو نظریه‌ی معروف وجود دارد:

الف: نظریه انتخاب؛

ب: نظریه انتصاب.

بر اساس نظریه‌ی انتخاب مطلق،

که مردم در این نوع حکومت، اصل و محور هستند. این تفسیر از مردم‌سالاری دینی، آن را امری همچون دموکراسی غربی می‌داند. حال باید پرسید، مطابق چنین فهمی، آیا مردم‌سالاری دینی در صدد آن است تا جایگاه منزلت مردم را بالاتر از دین قرار دهد؟ این دیدگاه نزدیک به دموکراسی غربی است که مشروعیت را از آن مردم می‌داند. پاسخ آن است که منظور مقام معظم رهبری آن نبوده است که مردم در این حکومت جایگاهی مقدم بر دین دارند؛ بلکه این

حکومت ولایی و نظام اسلامی، حکومت و نظامی است که در رأس آن دین قرار دارد و در عین حال مردمی است؛ یعنی با مردم ارتباط دارد و به نفع و مصلحت مردم فعالیت می‌کند و مردم از طریق نمایندگان‌شان در آن حکومت حضور به هم می‌رسانند. در چنین حکومتی سالاری از آن دین است نه مردم. مقام معظم رهبری عبارت «مردم‌سالاری دینی» را به کار برده‌اند و آن را مورد حمایت قرار داده‌اند. برخی این عبارت را چنین تفسیر کردند

دینی سازی نهاد سیاست؛ غوری در نسبت دین و سیاست

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ابوالفضل ساجدی*

چکیده

این نوشتار به توضیح اهمیت رویکرد دینی به سیاست می‌پردازد. این اهمیت، هم‌چنان که در متن آمده است، ناشی از ناتوانی عقل آدمی در شناخت و آگاهی‌یابی از همه‌ی ابعاد زندگی، از یک سوی و اهمیت نهاد سیاست، به مثابه نهادی مترابط و متعامل با دیگر زمینه‌های زندگی، از سوی دیگر است. واژگان کلیدی: دین، سیاست، نهاد، فلسفه غربی، اندیشه اسلامی و...

دینی‌سازی حرکت کردن به سمت ارزش‌های الهی و دینی است و در عین حال، به خواسته‌های دنیوی انسان نیز توجه دارد. مشروعیت به معنای توجیه عقلانی اعمال و کارهای حکومت است. این توجیه عقلانی که مبنای رفتار حاکمیت و مورد پذیرش مردم است، در فلسفه‌ی سیاسی «مقبولیت» نامیده می‌شود. مشروعیت نشان می‌دهد که مبنای گروه حاکم چیست و به چه دلیلی دستورهای الزام‌آور صادر می‌کنند و به چه دلیل می‌تواند قانون وضع نماید.

بشری و سکولار. بنابراین می‌توان دو نوع حکومت دینی و سکولار را ترسیم کرد. حکومت دینی حکومتی است که مرجعیت دین را می‌پذیرد و سه کارکرد تدوین قانون، اجرای قانون و قضاوت در مورد قوانین را، هم در وضع قانون و هم در اجرا دارد؛ اما در حکومت سکولار، دین در حوزه‌ی مسائل اجتماعی فاقد نقش است. حکومت دینی در واقع به سمت ارزش‌های دینی و الهی حرکت می‌کند و مرجعیت دین را در سه ساحت ذکر شده عملیاتی می‌سازد. فلسفه‌ی عملی حکومت

حکومت دینی را می‌توان قدرت سازمان‌یافته‌ای در جامعه تعریف کرد که در راستای ایجاد امنیت، تأمین معیشت و زمینه‌سازی برای ارتقاء و تعالی مردم تشکیل می‌شود. چنانچه حکومتی چنین اهدافی را دنبال کند، خودبه‌خود مبنای فکری حکومت در رسیدن به این اهداف، در علم‌کرد و نحوه‌ی تعامل آن با جهان بیرون و دنیای خارج اثرگذار خواهد بود. مبنای فکری حکومت، که مطابق تعریف توجیه‌کننده‌ی کارهای آن است، می‌تواند دو منشأ داشته باشد: منشأ وحیانی یا آموزه‌های

مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری لیبرال؛ منزلت و مرتبت عدالت در نزد آن دو

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید کاظم سیدباقری*

چکیده

این نوشتار به بررسی تطبیقی سرنوشت عدالت در دو نظام مردم‌سالاری دینی و لیبرال پرداخته است. توضیح محوریت عدالت در نظام نخست، و محوریت آزادی در نظام دوم، از جمله مباحث مهم مطرح شده در آن است. بررسی زمینه‌های تئوریک منجر و منتهی به اهمیت یابی عدالت در مردم‌سالاری دینی، و توضیح نحوه‌ی اولویت‌یابی مفهوم آزادی در مردم‌سالاری لیبرال، از دیگر مباحث این نوشتار است. نویسنده کوشیده است با طرح مبانی توجه به هر یک از این دو در نظامات مورد بحث، دلایل حمایت از دیدگاه اسلامی و دینی را مبنی بر ترجیح مردم‌سالاری دینی توضیح دهد. واژگان کلیدی: عدالت، آزادی، مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری لیبرال و...

مقدمه

مردم‌سالاری دینی، مانند هر نظام دیگری، دارای اصولی است که در نوع برداشت فهمنده‌ی متن نقش و تأثیر مستقیم دارد؛ به زبان دیگر فهمنده‌ی متنی که در جست‌وجوی تحلیل و فهم اندیشه سیاسی است در پی شناسایی اصول حاکم بر اندیشه‌ی مردم‌سالاری دینی فرصت تحصیل درکی دقیق‌تر از آن را به دست می‌آورد و قادر به شناسایی ابعاد مختلف آن می‌گردد؛ از این رو برای شناخت نظام مردم‌سالاری دینی و

مقایسه‌ی آن با دیگر نظام‌ها، باید این اصول را شناخت. در یک نگاه کلی، میان مردم‌سالاری دینی، که نظامی است برخاسته از دین، و دموکراسی لیبرالی، که نظامی است با ماهیت سکولار، یک تفاوت عمده وجود دارد و آن اینکه در اندیشه‌ی سیاسی شیعی، «عدالت» در هسته‌ی تعاملات نظری و عملی قرار دارد؛ در حالی که در اندیشه‌ی لیبرالی، «آزادی» محور تمام نظریه‌ها و فعالیت‌ها است. ذیلاً، در رویکردی مقایسه‌ای،

برخی از اصول این دو مکتب را بررسی و سپس با یکدیگر مقایسه خواهیم کرد.

اصول مردم‌سالاری لیبرال

یکم. انسان‌گرایی: نخستین اصل مورد بررسی، نوع نگاه به انسان است. در نگرش‌های مدرن و پسارنسانس، این بحث مطرح است که انسان می‌تواند بدون تکیه و پشتیبانی وحی، امور زندگی خود را سامان دهد؛ یعنی دیگر به وحی نیازی نیست و انسان خود می‌تواند مشکلاتش را با عقل

اندیشه‌ی مردم‌سالاری دینی؛ پایایی و پویایی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن خیری*

چکیده

این نوشتار به بررسی زمینه‌های نظری منجر و منتهی به مردم‌سالاری دینی می‌پردازد. تقریر برخی از تفاوت‌های مردم‌سالاری دینی و غیردینی از جمله مباحثی است که در این راستا مورد توجه نویسندگان واقع شده است. از دیگر مباحث این نوشتار توضیح جایگاه ولایت فقیه در مردم‌سالاری دینی است. واژگان کلیدی: مردم‌سالاری دینی، نگاه اجتهادی، رویکرد اجتماعی، مردم‌سالاری سکولار و...

زمینه‌سازی کردند تا به تدریج جو اجتماعی، فضای معنوی، رفتارهای شخصی و ارتباطات اجتماعی اصلاح شود و فضا برای حاکمیت اسلام به صورت مطلق فراهم گردد. حکومت مطلق که در نهایت در زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) جامه‌ی تحقق به تن خواهد پوشید. بر پایه این دو عنصر، «آرمان‌گرایی» و «واقعیت‌محوری»، نظریه‌ی امامت مطرح می‌شود. نظریه‌ی امامت یعنی حاکمیت خداوند بر جامعه‌ی اسلامی و ارتباط

رسیدن به کمال واقعی است. علاوه بر آرمان‌گرایی، بُعد دیگری در احکام اسلامی وجود دارد و آن واقعیت‌محوری است. بحثی که ذیل آن، شرایط زمانی و مکانی اهمیت می‌یابد. براساس آموزه‌های اسلامی، فقط در دوران حکومت مهدوی است که اهداف اسلامی به صورت کامل تحقق می‌یابند؛ چراکه برای تحقق آموزه‌های اسلام باید زمینه‌ها و بسترهایی فراهم شود؛ حتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز که تشکیل حکومت دادند،

برای شناخت مردم‌سالاری دینی، طبیعتاً باید مبانی انسان‌شناسی و هستی‌شناسی اسلام بررسی شود. براساس دیدگاه اسلامی، هدف از خلقت انسان، نیل به سعادت واقعی است و سعادت واقعی نیز رسیدن به تقرب الهی و دوری از جهنم است که با جهت دادن به فعالیت‌های دنیوی و اخروی تحقق پیدا می‌کند. درحقیقت می‌توانیم بگوییم که همه‌ی ارکان احکام اسلامی، بر پایه‌ی یک آرمان استوار است و آن، تقرب به خدا و

مردم‌سالاری دینی از دیدگاه امام علی (ع)

حجت الاسلام والمسلمین سید حسین هاشمی*

چکیده

این نوشتار به بررسی ویژگی‌های حکومت در اندیشه‌ی امام علی (ع) پرداخته است. تلاش نویسنده آن بوده است که، در انجام این مهم، به فرازهای مختلف اندیشه‌ی سیاسی حضرت رجوع نماید. واژگان کلیدی: امام علی (ع)، حکومت، مردم، مشروعیت و...

تشکیل حکومت می‌کند، باید از مشروعیت و مقبولیت برخوردار باشد.

در اندیشه‌ی امام علی (ع) مشروعیت امری الهی است که مردم در آن هیچ سهمی ندارند و به همین دلیل شیعه معتقد است امام چه حکومت تشکیل دهد و چه مسلمین است؛ زیرا از ناحیه‌ی خداوند انتخاب شده است.

امام علی (علیه‌السلام) این نکته را روشن ساخته‌اند. ایشان می‌فرمایند: «لو لا حضور الحاضر

آن، در کتاب شریف نهج البلاغه بارها تکرار و بر آن تأکید شده است. از مجموع بیانات امیرالمؤمنین علی (ع) می‌توان به این نتیجه رسید که در تشکیل حکومت اسلامی، مردم نقشی تعیین‌کننده و اساسی دارند؛ به گونه‌ای که اگر اقبال عمومی برای تشکیل حکومت نباشد، بر امام واجب نیست که اقدام به تشکیل حکومت کند؛ چراکه از مقبولیت لازم برای تشکیل حکومت برخوردار نیست. امام یا هر فرد دیگری که اقدام به

دموکراسی که رایج‌ترین اصطلاح در علم سیاست است، از دو کلمه‌ی یونانی دموس به معنای مردم و کراسی به معنای حکومت ترکیب شده است؛ حاصل این ترکیب «حکومت مردم» معنا شده است. یکی از مسائل بنیادین و حائز اهمیت در اندیشه‌های سیاسی جهان معاصر، جایگاه مردم، حقوق آنان، وظایف و مسؤولیت دولت در قبال آنان و وظایف مردم در قبال حکومت و رهبری است. این موضوع، و جوانب مختلف

مردم‌سالاری و دین؛ احتمالات نظری معطوف به مردم‌سالاری دینی

دکتر عبدالوهاب فراتی*

چکیده

L این نوشتار به بررسی احتمالات نظری منجر به مردم‌سالاری دینی می‌پردازد. جهت انجام این مهم چهار فرض منطقی ناشی از ترکیب دو اصطلاح مردم‌سالاری و دین در دو برداشت حداقلی و حداکثری از هر یک ارائه شده است. به باور نگارنده، مردم‌سالاری دینی زمانی محقق می‌شود که درکی حداکثری از دین و حداقلی از مردم‌سالاری مدنظر قرار گیرد. واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، اسلام، لیبرالیسم، مردم‌سالاری دینی، جان لاک و ...

از سوی دیگر، این ترکیب موافقان خاص خود را داشت. ایشان مردم‌سالاری را جزئی از نظریه‌ی اسلام تفسیر می‌کردند و معتقد بودند که اسلام در عرصه‌ی حاکمیت سیاسی برای مردم ارزش قائل شده است و «حق الناس» را در کنار «حق الله» مطرح کرده است. گروهی نیز دموکراسی را به‌مثابه روش می‌دیدند و معتقد بودند که باید بین روش و محتوا تفکیک قائل شد. به باور ایشان دموکراسی روش است، اما محتوای حکومت اسلام است. حضرت امام (ره) هم تأکید داشتند که

مردمی و تطبیق آن بر ارزش‌های مذهبی نظارت داشته باشد. این شیوه‌ی حکومت به تدریج در ایران به مردم‌سالاری دینی تعبیر شد. از ابتدای تأسیس مردم‌سالاری دینی در ایران، هم موافقان و هم مخالفانی برای آن پیدا شد. دو گروه مخالف این ترکیب بودند؛ چراکه معتقد بودند مردم‌سالاری یک مفهوم غیراصیل و ناشدنی است. این دو گروه، که در دو طیف متضاد قرار داشتند، دین‌داران مرتجع و دموکراسی‌خواهان غیردینی بودند که مردم‌سالاری را با دین قابل جمع نمی‌دانستند.

یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران، تأسیس دولتی بود که جامع حاکمیت خداوند و مردم باشد. این آرمان، پس از انقلاب اسلامی، در قالب جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه تبلور پیدا کرد. «جمهوری» در این ترکیب علاوه بر اینکه توارث در قدرت رانفی می‌کرد و دودمان سلطنت را در ایران به پایان می‌رساند، بر حضور مردم در ساختار حکومت تأکید می‌کرد. قید «اسلامی» نشان‌دهنده‌ی مقید شدن این قدرت توسط دین بود. به این ترتیب که با قرار گرفتن یک فقیه در رأس آن، بر این حاکمیت

مردم‌سالاری دینی؛ فضیلت‌ها و مزیت‌ها

دکتر علی شیرخانی*

چکیده

این نوشتار به بررسی و توضیح چند و چون برتری مردم‌سالاری دینی بر دیگر نحوه‌ها و شیوه‌های حکومت پرداخته است. در ابتدای نوشتار به انواع حکومت‌ها در اندیشه‌ی یونان و نیز تنوع حاکم بر نظریه‌های مردم‌سالاری پرداخته شده است. سپس، در گامی دیگر، دلالت‌های مفهومی مردم‌سالاری دینی توضیح داده شده است.

واژگان کلیدی: مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری، فطرت، افلاطون، دین و...

درباره‌ی مردم‌سالاری نکاتی وجود دارد که هر کدام باید در جای خود مورد مذاقه قرار گیرد و تفصیلاً درباره‌ی آن بحث گردد.

انسان‌ها به طور کلی براساس فطرت خود، و البته تحت تأثیر آموزه‌های اجتماعی، دوست دارند که مستقل باشند. استقلال طلبی حسی است که به طور فطری در نهاد انسان گنجانده شده است و به طور طبیعی انسان مایل به آن است که دیگران بر او استعلاء نداشته باشند. در این حالت تعارضی پدید می‌آید: از یک سو انسان‌ها

نمی‌خواهند تحت استعلاء دیگران باشند و از سوی دیگر منافع افراد خیلی گسترده است و ناگزیر هستند که با یکدیگر ارتباط داشته باشند. به تعبیر جان لاک، ما زمینی را در اختیار داریم که به صورت مشاع در اختیار دیگران است که نمی‌توانند تمام نیازهای خود را تأمین کنند؛ در نتیجه بین انسان‌ها تزاخم و تعارض پیش می‌آید. از یک سو استقلال خواهی است و از سوی دیگر منافع افراد این امر باعث شده است که انسان‌ها تدابیری را اتخاذ کنند تا ضمن

رعایت همه‌ی این موارد، هم به نوعی استقلال افراد حفظ شود و هم منافع افراد محفوظ بماند؛ و از سوی دیگر با مشارکتی که انسان‌ها با یکدیگر دارند، بتوانند از زندگی اجتماعی خود بهره بیشتری ببرند. وقتی این مشارکت در جامعه وجود داشته باشد، افراد احساس می‌کنند که در اداره امور خود نقش‌آفرین هستند؛ چون همه به دنبال استقلال هستند؛ لذا با همدیگر تعامل می‌کنند تا به خواسته‌ی خود برسند و در عین حال استقلال خواهی‌شان از بین نرود.

مردم‌سالاری هدایت‌شده؛ جایگاه عقل و شرع

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر غلامرضا بهروز لک*

چکیده

این نوشتار به بررسی سطوح رویکرد به عقل در اندیشه‌ی غربی و اسلامی می‌پردازد. توضیح سه سطح مراجعه به عقل در اندیشه‌ی غربی (شخصی، نخبگانی و عرفی) و بررسی تفاوت‌های آن با نگاه اسلامی از جمله مباحث نوشتار است. مطابق رویکرد نوشتار عقل بشری، در هر سه سطح، به تنهایی راه به جایی نمی‌برد و به هدایت شرع نیاز دارد. این جا است که، بر اساس رویکرد این نوشتار، باید مردم‌سالاری را در ارتباط با شرع و متناسب و متلائم با رویکردهای وحیانی مورد توجه قرار داد. مردم‌سالاری هدایت‌شده بر این اساس مورد توجه نوشتار قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: عقل، وحی، مردم‌سالاری هدایت‌شده و...

برخورداری از صفات و ویژگی‌های لازم، از یک سوی، و تنوع و عدم امکان تجمیع نظریات ایشان، از سوی دیگر، امکان دخالت مستقیم و تأثیرگذار در سیاست را ندارند. در اندیشه‌های قدیم این مسئله مطرح بود که مردم باید تابع معیارهای دیگران باشند؛ دیگرانی که سیاست به دست آنان رقم می‌خورد. نظریه ظل‌اللہی از این گونه هستند. در گذشته پیش‌فرض این نبود که مردم چگونه حکومت کنند یا مردم

و وزن و میزان تأثیر مردم بر دولت چگونه است؟ پاسخ‌های مختلفی به این پرسش‌ها داده شده است؛ لیبرال‌دموکراسی، سوسیالیسم و در کل نظریه‌های مختلف خانواده‌ی مدرنیته در این زمینه فعال بوده‌اند. این پرسش پیش روی مسلمانان نیز قرار گرفته است. در این نوشتار به پاسخ اسلام به این پرسش می‌پردازیم. در گذشته این پیش‌فرض مسلم گرفته می‌شد که مردم به دلیل عدم

یکی از مسائل مهم در مطالعات سیاسی، توضیح نقش مردم در حیات سیاسی جامعه است. تبیین امروزین این مسئله، منجر به خلق نظریاتی شده است که ما آنها را ذیل نظریه‌های مردم‌سالاری یا دموکراسی می‌شناسیم. در این راستا مکاتب مختلف به بررسی این پرسش پرداخته‌اند که مردم در امور سیاسی به چه نحو و در چه ابعادی باید دخالت کنند؟ جایگاه مردم در اداره‌ی جامعه به چه صورت است؟

مردم‌سالاری اسلامی؛ مفهوم‌شناسی، تمایز‌شناسی و ارزش‌شناسی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محسن رضوانی*

چکیده

این نوشتار به مفهوم‌شناسی، تمایز‌شناسی، و نهایتاً، ارزش‌شناسی مردم‌سالاری دینی پرداخته است. موضوع مختار نویسنده پذیرش امکان تالیف مردم‌سالاری با دین است. جهت توضیح این مدعا نویسنده به تقریر فهم خود از مفاهیم مرکزی‌ای نظیر مردم‌سالاری، روش و اندیشه‌ی دینی پرداخته است. واژگان کلیدی: مردم‌سالاری، روش، مردم‌سالاری دینی و...

که مردم‌سالاری دارای یک‌سری اصول است که مثلاً یکی از اصول مهم آن آزادی و مدارا و احترام به رأی اکثریت و توجه به مشارکت مردم است. حال آن‌که همه‌ی این موارد و موارد دیگر، فی‌نفسه به مردم‌سالاری مربوط نیست؛ بلکه به مکتبی مربوط است که مردم‌سالاری را مقید کرده است. در تمام نظام‌های داعیه‌دار مردم‌سالاری، یک امری واژه‌ی مردم‌سالاری را مقید کرده است؛ مثلاً امروزه در غرب نماد بارز مردم‌سالاری، دموکراسی لیبرالی است. در این عبارت صفت لیبرالی به مردم‌سالاری معنا می‌بخشد؛ همچنان‌که در غرب

در برخی از مقالات عنوان شده باشد که بین آن دو تمایزی وجود دارد، این تمایز ناشی از نگاهی است که به دموکراسی وجود داشته است. دموکراسی یا مردم‌سالاری اساساً با عنوان یک اندیشه و مکتب در هیچ دوره‌ی تاریخی مطرح نبوده و همواره به‌عنوان روش حکومت مطرح بوده است؛ بنابراین دموکراسی فی‌نفسه دارای اصول و مبانی نیست. در واقع یک موجود بی‌شکل است که مکاتب دیگر به آن شکل می‌دهند. گاهی اوقات در برخی از مقالات و نوشته‌ها و گفت‌وگوهای علمی مطرح می‌شود

ذیل عنوان مؤلفه‌های عام مردم‌سالاری دینی، می‌توان به سه مبحث مهم اشاره کرد. محور اول اشاره دارد به مفهوم‌شناسی، محور دوم به تمایز‌شناسی مربوط است و محور سوم، به بحث ارزش‌شناسی معطوف است. ابتدا باید مفهوم مردم‌سالاری و نسبت آن با دین یا اسلام تبیین شود. پیشینه‌ی مردم‌سالاری به لحاظ مفهوم‌شناسی به یونان باستان برمی‌گردد. چنانچه از مردم‌سالاری با واژه‌ی دموکراسی یاد کنیم، همان‌گونه که امروزه در غرب مطرح است، تمایزی بین مردم‌سالاری و دموکراسی قائل نشده‌ایم. اگر هم

کند و کاوی در نهج البلاغه زمینه‌های مردم‌سالاری دینی در اندیشه‌ی امام علی (ع) حجت الاسلام والمسلمین هادی عباسی*

چکیده

این نوشتار به بررسی فرا‌هایی چند از کتاب نورانی نهج البلاغه در موضوع حکومت اسلامی اختصاص دارد. توضیح معنای مشروعیت و مقبولیت در حکومت دینی و تشریح ویژگی‌های حاکم و مردم در حکومتی الهی از جمله مباحثی است که مورد اهتمام نویسنده واقع شده است. واژگان کلیدی: امام علی (ع)، مقبولیت، مشروعیت، حکومت، مردم و...

می‌کند. از این رو، ملاک حق و قانون، فقط خدای تبارک و تعالی است؛ به این ترتیب جز حکومت او و حکومت کسی که منصوب او است، هیچ حاکمیتی، قانونی و مشروع نیست و رأی مردم، اگرچه در فعلیت یافتن و جوب تشکیل حکومت از جانب خلیفه‌ی خدا یا فعلیت یافتن حکومت مؤثر است، در مشروعیت حکومت نقشی ندارد. از این رو باید تاکید نمود که مقبولیت مردمی، عنصری خارج از ماهیت مشروعیت است. مشروعیت حکومت به حاکمیت

مطالعه دچار انحراف نشود. بحث از جایگاه مردم در حکومت را باید از اینجا شروع کرد که انسان و جهان، همه و همه، مُلک خدا است: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ فرمانروایی [مطلق] آسمان‌ها و زمین از آن خدا است» و تنها او است که حق دارد برای آن قانون گذارد یا حاکمی را به خلافت از جانب خود به فرمانروایی بگمارد. خدای تبارک و تعالی خالق بشر است و از سعادت و شقاوت او کاملاً آگاهی دارد؛ بدین ترتیب، این خداوند است که مصلحت و سعادت انسان را در قالب هدایت تضمین

در خصوص جایگاه مردم در حکومت اسلامی دیدگاه‌های متفاوتی مطرح گردیده است؛ از جمله برخی بر این باور هستند که مردم در مشروعیت حکومت اسلامی هیچ جایگاهی ندارند و تنها دخالت مردم در حکومت اسلامی، در عرصه مقبولیت حکومت است. در مقابل، برخی دیگر بر این باور هستند که مردم در مشروعیت نظام و حکومت اسلامی نیز دارای نقش اساسی می‌باشند. قبل از ورود به این بحث، باید مقدماتی را در نظر گرفت تا مسیر

مردم‌سالاری دینی؛ ماهیت، هویت و هدف

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین پوریانی*

چکیده

این نوشتار به بررسی هویت پژوهانه‌ی مردم‌سالاری دینی توجه نشان داده است. توضیح ویژگی‌ها و برخی ابعاد این ایده از جمله تلاش‌های بعدی نوشتار است. واژگان کلیدی: مردم‌سالاری دینی، حقانیت، جامعیت، جهان‌شمولی و ...

رسیدن به رشد و توسعه مادی و معنوی است.

این مدل و الگو بر دو اصل استوار است: یکی اینکه ریشه در آموزه‌های وحیانی دارد و دیگر اینکه مردم در آن نقشی اساسی دارند؛ به زبان دیگر مردم‌سالاری دینی در نظام سیاسی بر دو بُعد استوار است: بعد الهی و بعد انسانی. این نظام با در نظر داشتن مبانی اسلامی، رابطه حکومت و مردم را تحلیل می‌کند. یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های این نظام، فراهم آوردن بستری برای حرکت آزادانه مردم به سمت کمال و رفاه مادی و معنوی است. بنابراین در چیستی و ماهیت

فرمان‌های الهی، یک مطالبه‌ی دینی است که در آموزه‌های دینی به روشنی دیده شده است؛ هر چند راه‌های عملی‌سازی آن به صورت دقیق و شفاف و عملیاتی برای جامعه، تا پیش از انقلاب اسلامی، مشخص نبوده است. در انقلاب اسلامی این ایده ساختار عملیاتی خود را پیدا کرد و زمینه‌های تحقق آن فراهم آمد.

مردم‌سالاری دینی ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم در چارچوب معادلات الهی استوار گردیده است. محور اصلی در این گفتمان، خدمت و ایجاد بستری عادلانه برای

برای تبیین ماهیت مردم‌سالاری دینی، باید اهداف و اصول آن و اصول مشترک دموکراسی و مردم‌سالاری دینی، و نیز موارد افتراقی میان آن دو، روشن شود. اما پیش از هر چیز، باید اشاره کرد که دموکراسی و مردم‌سالاری به مثابه ایده‌ای در دسترس در جهان معاصر به جامعه‌ی غربی اختصاص ندارد؛ بلکه، به عنوان نمونه، جامعه‌ی ایرانی نیز با رویکرد به مردم‌سالاری دینی در شکل‌گیری این پدیده نقش به‌سزایی داشته است. هم‌چنین در ابتدا لازم است تا یادآور شویم که مشارکت مردم در سرنوشت خود در راستای

نظام مردم‌سالاری دینی؛ مشروعیت، معقولیت و مقبولیت

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالعلی رضائی*

چکیده

این نوشتار به بررسی منشأ شکل‌گیری مشروعیت، معقولیت و مقبولیت در جامعه اسلامی پرداخته است. به باور نویسنده اگر نظام مردم‌سالاری دینی را در شکل هرم ترسیم کنیم، در رأس آن ولی فقیه، در لایه میانی آن نخبگان و در لایه پایین آن، مردم حضور دارند. حاصل چنین موقعیتی شکل‌گیری نوعی ترابط پیوسته میان این سه عنصر اصلی شکل‌دهنده به این نظام است. واژگان کلیدی: مشروعیت، مقبولیت، معقولیت، ولایت فقیه، مردم‌سالاری دینی و...

مقدمه

مردم‌سالاری در عداد مهم‌ترین و اساسی‌ترین بحث‌ها در حوزه‌ی مطالعه قدرت است. در جوامع مردم‌سالار، حق بر اساس پسند انسان تعریف می‌شود و هیچ حقی، فراتر از آن، به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ مگر اینکه به تأیید اکثریت برسد.

تفاوت مردم‌سالاری دینی با مردم‌سالاری غیردینی در این است که در نظام اسلامی، انسان‌ها حول مدار خدا اقدام به تشکیل جامعه می‌کنند؛ به عبارت

دیگر، مردم در منصب جانشینی خداوند، به حکومتی مردم‌سالار با محوریت دین عینیت می‌بخشند؛ بنابراین در مردم‌سالاری دینی، مدار تشکیل حکومت خداوند است. اساساً شکل‌گیری قدرت اجتماعی و پیدایش جامعه‌ی دینی، متکی به بیعت امت با امام است.

به این ترتیب تفاوت دو جامعه مردم‌سالار دینی و غیردینی در این است که در جامعه‌ی مردم‌سالاری غیردینی، حق بر مدار پسند انسان و شهوات او

تعریف می‌شود و مشروعیت یافتن حق منوط به رأی اکثریت است. این نحوه‌ی مردم‌سالاری، خردگرایی اجتماعی هم نامیده می‌شود. اگر مقصد توسعه، شهوت و ارضاء نفس باشد، طبعاً خردگرایی هم بستر توسعه‌ی شهوات می‌شود. خردگرایی در حکومت مردم‌سالاری غیردینی چیزی جز میل به دنیا نیست و خرد ابزاری است که در خدمت شهوت قرار می‌گیرد. در عین حال نباید فراموش نمود که ملاک قرار گرفتن خواست اکثریت در

منزلت و جایگاه آزادی در مردم‌سالاری دینی

دکتر شریف لکزایی*

چکیده

این نوشتار به بررسی زمینه‌های رویکرد اسلام به آزادی، و متعاقب آن مردم‌سالاری دینی، پرداخته است. تاکید بر جایگاه گفت‌وگو در اندیشه‌ی اسلامی از جمله مباحثی است که ذیل چنین نگاهی بسط داده شده است.

واژگان کلیدی: اسلام، آزادی، مردم‌سالاری دینی، فرهنگ جاهلیت و...

زیرا کاربرد اکراه تنها در اعمال ظاهری است که عبارت است از حرکاتی مادی و بدنی (مکانیکی)، و اما اعتقاد قلبی برای خود، علل و اسباب دیگری از سنخ خود اعتقاد و ادراک دارد و محال است که مثلاً جهل، علم را نتیجه دهد، یا مقدمات غیر علمی، تصدیقی علمی را بزاید. در اینکه فرموده است: «لا إكراه فی الدین» دو احتمال هست. یکی اینکه جمله‌ی خبری باشد و بخواهد از حال تکوین خبر دهد، و بفرماید خداوند در دین اکراه قرار نداده و نتیجه‌اش حکم شرعی

الدین قد تبین الرشد من الغی»^۱ علامه طباطبایی در ذیل این آیه مطالب بسیار مهم و جالبی را بیان فرموده‌اند که شاهد رویکرد ما است. ایشان می‌فرمایند: و در جمله‌ی: «لا إكراه فی الدین» دین اجباری نفی شده؛ زیرا دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی به دنبال دارد، و جامع همه‌ی آن معارف، یک کلمه است و آن عبارت است از «اعتقادات» و اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد.

دین اسلام، به عنوان دین خاتم، بر آزادی و آزادگی انسان‌ها در تمامی عرصه‌ها تأکید دارد. این تأکید تا آنجا امتداد می‌یابد که دین باید آزادانه اخذ شود؛ چنان‌که حضرت رسول (ص) مردم را بدون هیچ اجباری به اسلام فرا می‌خواندند و آنها را در پذیرش اسلام، آزاد می‌گذارند. بر مبنای آموزه‌های دینی، هیچ اعتقاد و باوری نمی‌تواند و نباید به اجبار اخذ شود و مورد پذیرش قرار گیرد. قرآن کریم نیز این مطلب را این‌گونه بیان می‌کند: «لا اکراه فی

ناهمسانی مردم‌سالاری دینی و غربی؛ ریشه‌ها و علائم

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد جواد نوروزی*

چکیده

این نوشتار به توضیح مبناشناختی مردم‌سالاری دینی و بررسی وجوه مختلف و متعدد افتراق آن با مردم‌سالاری غربی پرداخته است. بررسی ریشه‌های متفاوت نظری این دو و توضیح دلایل اختلاف مبنایی میان آن‌ها از جمله مباحثی است که ذیل این هدف کلی مورد کنکاش قرار گرفته است. واژگان کلیدی: دین، رسانه، مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری غربی و...

رسانه‌های غربی قرار گرفته است. این موج رسانه‌ای در ارتباط با دموکراسی موجب شده است که در دنیای اسلام هم واکنش‌های منفعلانه و هم فعالانه در مقابل این واژه شکل بگیرد و ایجاد شود.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، برخی گروه‌ها از ارتباط اسلام و دموکراسی سخن می‌گفتند. در دنیای عرب نیز متفکرانی چند، همچون مودودی^۱ تلاش می‌کردند دموکراسی را ریشه‌دار نشان دهند و سوابق آن را در تاریخ صدر اسلام بیابند. موج انقلاب اسلامی موجب شد که تا حدودی اندیشه‌ی سیاسی غرب دچار انفعال معنایی شود. هنگامی که سخنان امام(ره) را در

صدر مباحثی قرار دارد که باید موضوع تأمل و پژوهش قرار گیرد. اهمیت ارایه‌ی تعریف صحیح برای مردم‌سالاری دینی آن‌جا آشکار می‌شود که دقت نماییم برخی تلاش می‌کنند واژه‌ی مردم‌سالاری دینی را دارای تناقض معرفی کنند. بدون تردید، چنین نگاهی به مردم‌سالاری دینی ناشی از تعریف نادرست این واژه است.

در تعریف مردم‌سالاری باید به خاستگاه آن توجه نمود. دموکراسی در غرب تحولاتی را طی کرده است؛ با این حال، آن‌چه امروز مشاهده می‌کنیم صرفاً حاصل تحولی تاریخی نیست. واقعیت آن است که این ایده، در عصر جدید، مورد حمایت جدی

مردم‌سالاری دینی در میان حوزه‌های پژوهشی مهم، در عرصه مطالعاتی اندیشه‌ی سیاسی اسلام، قرار دارد. جهت مطالعه‌ی این مبحث ابتدا لازم است به پرسش‌های زیر پاسخ بگوییم:

ما چه تعریفی از واژه‌ی مردم‌سالاری دینی داریم؟ خاستگاه مردم‌سالاری دینی در این مقطع از انقلاب اسلامی ایران چیست؟ مردم‌سالاری دینی چه شاخصه‌هایی دارد و تمایز مردم‌سالاری دینی با دموکراسی غربی چیست؟ ابعاد و محورهای دیگری نیز قابل طرح است.

در میان پرسش‌های بالا، پرسش نخست به تعریف مردم‌سالاری دینی باز می‌گردد. این پرسش در

جایگاه مردم در اندیشه‌ی سیاسی ابن سینا

طیبه محمدی کیا*

چکیده

اندیشه‌ی سیاسی اسلام میانه زمین‌های مطالعاتی برجسته‌ای در حوزه‌ی مطالعاتی اندیشه سیاسی اسلام است. ابن سینا در میان اندیشمندان این دوره چهره‌ای سرشناس است. جدای از اهمیت مطالعه‌ی آثار و اندیشه‌های شیخ الرییس به مثابه نمونه‌ای برجسته از یک دوره‌ی تاریخی مهم در تاریخ تفکر اسلامی مطالعه و بررسی واژه‌ها و مفاهیم سیاسی متعارف امروزین در ادبیات ایشان نیز می‌تواند مقوله‌ی جذابی در محدوده‌ی مطالعاتی اندیشه‌ی سیاسی اسلامی قلمداد گردد. مفهوم مردم و جایگاه آن در سیاست از جمله مفاهیم جدیدی است که امروزه در قلمرو پژوهش‌های سیاسی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. همین‌جا باید یادآور شویم که به رغم اهمیت و جذابیت مطالعه مفهومی جدید در زمینه اندیشه‌ای متقدم، این امر مخاطرات و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد که لازم است در جریان پژوهش مورد دقت و موضع اهتمام واقع شود. در این مقاله تلاش بر آن است تا جایگاه مردم در اندیشه سیاسی شیخ الرییس مورد تحلیل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بوعلی سینا، مردم‌سالاری، دین، سیاست، مصلحت عامه، مردم، مشارکت، مشورت، تعاون

و ...

مقدمه

مردم در اندیشه‌ی سیاسی قدیم به مثابه عاملی تعیین‌کننده در ساحت عمل سیاسی مورد شناسایی قرار نمی‌گرفتند. هر دوره‌ای از تاریخ اندیشه‌های سیاسی با ظهور مفاهیم ویژه‌ی خود همراه است. در این میان مفهوم مردم و تبعات سیاسی آن همچون مشارکت، حقوق مردم،

حاکمیت مردم و ... از جمله عباراتی هستند که در جرگه‌ی مفاهیم نوین در اندیشه‌های سیاسی می‌گنجند. ذیل ملاحظاتی از این دست می‌توان گفت مطالعه‌ی چنین مفاهیمی در بسیاری از متون کهن اندیشه‌ی سیاسی با ناکامی روبرو خواهد گردید؛ چرا که مفاهیمی از این دست نه تنها امکان نمو و پرورش

در اندیشه‌های سیاسی کهن را پیدا نکرده‌اند بلکه گاهی حتی به درگاه ظهور نیز راه نیافته‌اند. در عین حال رگه‌هایی از رویکرد به مردم را در اندیشه‌ی این عصر می‌توان پی‌گرفت. اهمیت استراتژیک دریافت‌هایی از این دست هنگامی مشخص می‌شود که به جایگاه چنین برداشت‌هایی در توضیح

گمگشته‌های مردم سالاری غربی؛ وحی و عدالت

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن غفاری فر*

چکیده

این نوشتار به بررسی رویکرد غربیان به مقوله مردم سالاری پرداخته است. توضیح انتقادی تئوری غربی مردم سالاری که مبتنی بر عدم توجه به مقوله وحی است از جمله مباحثی است که در نوشتار مورد توجه قرار گرفته است. از جمله دیگر مباحث این نوشتار می‌توان به توضیح رابطه اعتدال و مردم سالاری مبتنی بر دین اشاره کرد. واژگان کلیدی: مردم سالاری دینی، عدالت، غرب، اسلام و...

فرهنگی و اقتصادی در جامعه اندیشید. اما این مدل در درون خود تناقضاتی دارد؛ هر چند، ای بسا، بنیان گذاران آن به مشکلاتی از این دست توجه نداشته‌اند و نسبت به آنها اندیشه نکرده‌اند. مهم‌ترین و جدی‌ترین این تناقضات محدود اندیشی در مدلی از این دست است. توضیح بیشتر آن که ذیل درکی این گونه از نظام سیاسی ما، خواسته یا ناخواسته، تمام امکان‌های اندیشیدن را به اندیشه‌ی بشری محدود کرده‌ایم و راه هر اندیشه‌ی دیگری را بر خود بسته‌ایم.

مدل بر اجرای قوانین، هر چند غلط باشد، اصرار دارد؛ زیرا توافق جمعی بر آنها وجود دارد و این کار، باعث انضباط اجتماعی می‌شود. طرفداران این رویکرد مفاهیمی همچون مشروعیت اجتماعی را مطرح می‌کنند و بر این ادعا پای می‌فشارند که در هر موقعیت اجتماعی اگر دو عنصر مشروعیت اجتماعی و مقبولیت اجتماعی گرد آیند، قطعاً هزینه‌های اجتماعی پایین و اقتدار نظام بالا می‌رود. به این ترتیب در شرایطی از این دست می‌توان به پیشرفت ساختارهای سیاسی، اجتماعی،

احتیاج به حکومت و تشکیلات منظم یکی از نیازهای اساسی و فطری انسان است؛ نیازی که از آن با عنوان نیاز انسان به زندگی اجتماعی یاد می‌کنند. برخی برای جواب‌گویی به این نیاز، حضور حداکثری مردم را در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی جامعه برجسته می‌کنند. توصیه و اقدامی از این دست ما را به سمت پذیرش مدلی رهنمون می‌شود که امروزه یکی از مدل‌های مرسوم و رایج در دنیای سیاست است؛ مدلی که از آن با عنوان دموکراسی مبتنی بر قرارداد اجتماعی یاد می‌شود. این

دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

خصوصیات کارگزاران دولت اسلامی در بیان مقام معظم رهبری

قاسم جعفرزاده*

چکیده

این نوشتار به بررسی اندیشه‌ها و نصایح مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به مسئولین نظام اسلامی پرداخته است. نویسنده کوشیده است، ذیل نقل اندیشه‌های معظم‌له، رویکرد «نئوری حکومت دینی» را به عرصه‌ی مسئولیت‌های کارگزاران حکومت دینی توضیح دهد. واژگان کلیدی: دین، دولت، حکومت اسلامی، مردم‌سالاری دینی و...

اشاره

«مردم‌سالاری دینی» نظامی مبتنی بر احترام به آرای مردم، با نگاه مستمر به آموزه‌های دینی است؛ نظامی که سعادت دنیوی و اخروی افراد را متضمن است. در این نظام، روابط کارگزاران با توده‌ی مردم، مانند روابط سایر حکومت‌ها با مردم نیست؛ چرا که در این نظام «دین» منشا تعریف روابط میان دولت و ملت می‌گردد و سازوکارهای خویش را در این عرصه ارائه داده است. این مقاله سیرگی گذرا خواهد داشت بر برخی از مهم‌ترین خصوصیات و ویژگی‌های

کارگزاران دولت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی).
 ۱ نگاه به مسئولیت: مطابق اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، یک مسئول در جمهوری اسلامی، نباید خود را رئیس و بالاتر از مردم ببیند و درکش نسبت به جایگاه موقت و زودگذر خود، لازم است بیانگر رویکردی تکلیف‌گرا و خادمانه باشد؛ چنین رویکردی و دیدگاهی باعث شود وی با تمام تلاش به فعالیت بپردازد و خود را تافته‌ی جدا بافته از مردم نداند. این درک و دیدگاه

از مسئولیت، تمام مسئولان مملکتی، از صدر تا ذیل را در بر می‌گیرد و همان چیزی است که امام راحل (ره) نیز بدان تأکید داشتند. ایشان می‌فرمودند: «اساساً حکومت کردن و زمامداری در اسلام، یک تکلیف و وظیفه‌ی الهی است که یک فرد، در مقام حکومت و زمامداری، گذشته از وظایفی که بر همه‌ی مسلمین واجب است، یک سلسله تکالیف سنگین دیگری نیز بر عهده‌ی او است که باید انجام دهد. حکومت و زمامداری در دست فرد یا افراد، وسیله‌ی فخر و بزرگی بر دیگران نیست که از این

چند گزاره‌ی مردم‌سالاری دینی از دیدگاه مرحوم آیت‌الله شیخ محمدهادی معرفت

محمدعلی نجفی کرمانشاهی*

چکیده

این نوشتار به بررسی برخی از آراء و نظریات آیت‌الله محمدهادی معرفت در ارتباط با مقوله مردم‌سالاری دینی اختصاص یافته است. نویسنده مقاله، حجت‌الاسلام محمدعلی نجفی، دانش‌آموخته حوزه و دانشجوی دکتری، کوشیده است ذیل عناوین مجزا سطوح مختلف رویکرد ایشان را به این مقوله مهم علمی نشان دهد. جهت انجام این مهم وی به مباحثی نظیر پیوستگی مردم‌سالاری و دیانت، تفاوت مردم‌سالاری مطلق و دینی، جایگاه مردم در مردم‌سالاری دینی و، نهایتاً، اهمیت زعیم و رهبر در حکومت اسلامی و مبتنی بر مردم‌سالاری دینی پرداخته است.

واژگان کلیدی: مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری مطلق، ولایت فقیه، مردم و...

مردم‌سالاری دینی و این دست مباحث، آرای بدیعی داشت. در این مقاله، به صورت گذرا، برخی از آراء و نظریات ایشان را، با تاکید بر مقوله‌ی مردم‌سالاری دینی، از نظر خواهیم گذراند.

پیوستگی دیانت و مردم‌سالاری
دسته‌ای از مخالفان نظام مردم‌سالاری دینی، در راه منطقی جلوه دادن مخالفت خود با این ایده، ابتدا بین مفاهیمی نظیر مردم‌سالاری و مدنیّت با دیانت و شریعت تفکیک قائل می‌شوند،

نیز رسید.
آیت‌الله معرفت بیشتر به عنوان یک قرآن‌پژوه شناخته می‌شد؛ ولی در باب حقوق، سیاست و فقه نیز نوشته‌های بسیار و اندیشه‌های فراوان داشت. طرح گسترده‌ی «نظرات فقهی نوین بر اساس اجتهاد پیشرفته در قرون اخیر» یکی از کارهای ایشان بود که به مبانی سیاسی و حکومت نیز مرتبط می‌شد. ایشان شیفته‌ی امام(ره)، مقام معظم رهبری و انقلاب شکوهمند اسلامی بود. ایشان در باب حکومت دینی و

آیت‌الله شیخ محمدهادی معرفت، در سال ۱۳۰۹ شمسی در خانواده‌ای ایرانی و اهل اصفهان، در کربلا دیده به جهان گشود. تحصیلات حوزوی خویش را در علوم مختلف، در کربلا و نجف، از محضر استادانی چون امام راحل(ره) و شیخ حسین حلی فرا گرفت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی در جوانی به همراه عده‌ای از فضلالی حوزه، مجله‌ای جهت پاسخ دادن به شبهات دینی تأسیس کرد. دامنه پخش این مجله به مرزهای خارج از عراق در سایر ممالک عربی

چیستی و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی

دکتر مهدی امیدی*

چکیده

این نوشتار به بررسی ابعاد مختلف مقوله‌ی مردم‌سالاری دینی پرداخته است. جهت انجام این مهم در ابتدای نوشتار به مفهوم‌شناسی مردم‌سالاری توجه گردیده است؛ پس از آن ابتدا معنای مردم‌سالاری دینی بررسی گردیده است و، در نهایت، مؤلفه‌های اصلی سازنده‌ی آن برشمرده شده است. واژگان کلیدی: مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری لیبرال، دین، دنیا و...

داشته باشند تا بتوان گفت حکومت توسط مردم اداره می‌شود. اصطلاح دموکراسی را، علاوه بر رویکرد لغت‌شناسانه، می‌توان از منظرهای دیگر نیز مورد مطالعه قرار داد. گاهی دموکراسی به صورت مستقیم و گاهی به صورت غیرمستقیم مطرح می‌شود. در مردم‌سالاری غیرمستقیم که بیشتر ذیل نهاد نمایندگی از مردم اتفاق می‌افتد، انحای مختلفی از دموکراسی را می‌توان در نظر گرفت. برخی بیشتر مشارکت احزاب و نهادهای مدنی را مدنظر

می‌شوند یا نه) بحث‌های مفصلی وجود دارد. زمانی که گفته می‌شود سلطه‌ی مردم، این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که در چه موردی و تا چه حدی این سلطه جریان دارد؟ مهم‌ترین تعریف و تعبیری که برای دموکراسی به کار برده‌اند، «حکومت مردم برای مردم و از سوی مردم» است. اگر این تعریف را بپذیریم که حاکمیت از آن مردم است و شیوه‌ی حکومت و حاکمان از سوی مردم تعیین می‌شوند، باید این را نیز بپذیریم که مردم باید در تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت فعال

مفهوم‌شناسی مردم‌سالاری
در ابتدای نوشتار، و پیش از ورود به بحث، واکاوی مفهومی مردم‌سالاری حایز اهمیت است و نقشی ویژه در مباحث بعدی دارد. واژه‌ی دموکراسی در ادبیات سیاسی دارای معنای روشنی است؛ هرچند در مورد اینکه دموکراسی چقدر اهمیت دارد، بحث‌های فراوانی برگرفته است. دموس به معنای توده‌ی مردم و کراتوس قدرت و سلطه معنی می‌دهد؛ اما در مورد اینکه مردم چه کسانی هستند (و آیا اکثریت را شامل

تلقی‌های متفاوت از مردم‌سالاری دینی؛ نسبت‌سنجی مردم‌سالاری و مردم‌سالاری دینی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ذبیح‌اله نعیمیان*

چکیده

این نوشتار به بررسی مفهوم‌شناسانه‌ی مردم‌سالاری اختصاص دارد. موضع مختار نوشتار طرح ایده‌ی مردم‌سالاری به مثابه موقعیتی بسیط، و نه مرکب، است. هدف نوشتار توضیح این موقعیت نظری و ارائه‌ی استدلال در حمایت از آن است. امکان عملی تفکیک قالب از ارزش از جمله مباحثی است که جهت پیش‌برد بحث در این تأمل نظری آرایه شده است. واژگان کلیدی: مردم‌سالاری بسیط، تفکیک قالب از ارزش، رویکرد تجزیه‌گرایانه میان قالب و ارزش و...

خود می‌داند؛ به زبان دیگر برخی اعتقاد دارند که دموکراسی، برآمده از غرب و تمدن غربی است و باید آن را از غرب اقتباس کرد و بعضی آن را قابل جمع با ارزش‌های دینی می‌دانند.

در مقابل این دو گرایش، گرایش دیگری وجود دارد و آن اینکه دموکراسی دینی مفهومی بسیط است. نتیجه‌ی دو رویکرد قبل این بود که دموکراسی و دین با هم تلفیق می‌شوند یا اینکه این دو مقوله کاملاً جدای از هم هستند؛ حال آنکه در رویکرد سوم،

غربی در جوامع اسلامی، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، هستند دچار اشتباه می‌باشند و دموکراسی را با مردم‌سالاری دینی یک مفهوم پنداشته‌اند.

برخی جمع بین دین و مردم‌سالاری را ممتنع می‌داند؛ زیرا مردم‌سالاری و دموکراسی را برآمده از مبانی‌ای می‌دانند که با تعالیم دینی قابل جمع نیست و در مقابل مشربی دیگر وجود دارد که دموکراسی را به صورت قالب یا روش می‌فهمد و آن را، هم از این‌روی، قابل تفکیک از مبانی

در حوزه‌ی مطالعاتی مردم‌سالاری، به دلیل تأثیرگذاری فراوان آن بر زندگی مردم، بحث‌های زیادی صورت گرفته و آرایه شده است؛ اما با وجود این، این موضوع همچنان نیازمند بررسی و تحقیق فراوان است. نخستین مسئله در این زمینه آن است که آیا تلقی ما از مردم‌سالاری دینی با دموکراسی یکسان است یا اینکه تلقی جدیدی از این واژه وجود دارد؟ مقام معظم رهبری به‌درستی اشاره کردند که مردم‌سالاری دینی یک مفهوم بسیط است و کسانی که درصدد اجرای دموکراسی

گفت‌وگوها



مردم‌سالاری دینی؛
اندیشه‌ای فاخر ولی مظلوم
گفت‌وگو با دکتر عظیم عابدینی

۱۷۵



جایگاه‌شناسی رده‌ها در نظام مردم‌سالاری دینی
گفت‌وگو با آیت‌الله حسن ممدوحی

۱۵۵



مردم‌سالاری دینی و شالوده‌های نظری آن
گفت‌وگو با دکتر پرویز امینی

۱۸۵



مردم‌سالاری دینی در نهج البلاغه
گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سید جمال الدین دین‌پرور

۱۵۹



نظام مردم‌سالاری دینی؛
مانعی مستحکم بر سر راه استبداد و خودکامگی
گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین رضا غلامی

۱۹۱



مردم‌سالاری دینی؛ زمینه و زمانه
گفت‌وگو با دکتر محمدباقر خرمشاد

۱۶۵



جایگاه شناسی رده‌ها در نظام مردم‌سالاری دینی

گفت‌وگو با آیت‌الله حسن ممدوحی*

اشاره

آیت‌الله ممدوحی، عضو جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم و نماینده‌ی مردم استان کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری، از اساتید شناخته‌شده‌ی علوم نقلی و عقلی در حوزه‌ی علمیه قم هستند. از ایشان کتب و آثار متعددی منتشر گردیده است که از آن جمله می‌توان به «شرح صحیفه‌ی سجادیه»، «شرح نهج البلاغه»، «شرح رساله الولایه علامه طباطبایی»، «رساله‌ای در علم امام»، «حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام»، «جتهاد و تقلید»، «حکمت حکومت فقیه» و «شرح رساله الوجود کاشف الغطاء» اشاره داشت. آیت‌الله ممدوحی در مصاحبه‌ای که پیش‌روی دارید به توضیح ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی پرداخته‌اند و کوشیده‌اند خصایص مرکزی آن را توضیح دهند. تفاوت‌گذاری میان این اندیشه و ایده‌های غربی مبتنی بر مردم‌سالاری مطلق از جمله نکاتی است که در این مصاحبه خواهید یافت.



مردم‌سالاری دینی در نهج البلاغه

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین سید جمال الدین دین پرور*

اشاره

حجت الاسلام والمسلمین سید جمال الدین دین پرور رئیس بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه هستند؛ بنیادی که تمرکز خود را بر مطالعه‌ی اندیشه‌های امام علی (ع) و تربیت دانشجو در این عرصه‌ی مهم نهاده است. دین پرور خود در این زمینه صاحب تالیفاتی می‌باشد. کتاب «منشور جاوید»، که به شرح خطبه‌های حضرت اختصاص دارد، از جمله‌ی این موارد است. در گفت و گوی ذیل ایشان به بررسی مردم‌سالاری دینی از منظر نهج البلاغه همت گماشته است. توضیح ارتباط این شیوه‌ی حکمرانی با حکومت علوی و بررسی چند و چون تفاوت‌های چنین رویکردی با نگرش‌های بیگانه از جمله‌ی این مباحث است.



مردم‌سالاری دینی؛ زمینه و زمینه‌ها

گفت‌وگو با دکتر محمدباقر خرمشاد

اشاره

دکترای جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه لیون فرانسه، از جمله اساتیدی است که به مبحث مردم‌سالاری دینی پرداخته است و به این حوزه‌ی مهم نظری ورود نموده است. وی، پس از همکاری به عنوان معاون آموزش و پژوهش با وزارت امور خارجه، در سال ۱۳۸۹ به عنوان رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی منصوب گردید. دبیری علمی همایش مردم‌سالاری دینی از جمله فعالیت‌های وی بوده است. خرمشاد در مصاحبه‌ای که پیش‌روی دارید کوشیده است تا به مفهوم‌شناسی مردم‌سالاری دینی بپردازد و به پرسش‌های طرح گردیده در فضای علمی کشور در این عرصه‌ی خطیر و سرنوشت‌ساز نظری ورود نماید. از جمله نکات قابل توجه در رویکرد خرمشاد به مردم‌سالاری دینی، دفاع از امکان ایجاد و بسط مردم‌سالاری دینی در میان همه‌ی مسلمانان، فارغ از مذهب ایشان، است.



مردم‌سالاری دینی؛ اندیشه‌ای فاخر ولی مظلوم

گفت‌وگو با دکتر عظیم عابدینی*

اشاره

عظیم عابدینی دکترای فلسفه و عضو شورای علمی پژوهشکده باقرالعلوم (ع) قم است. وی به تدریس فلسفه غرب و اسلام در دانشگاه‌های مختلف اشتغال دارد و با برخی مراکز پژوهشی، از جمله مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، همکاری می‌کند. در مصاحبه پیشروی عابدینی به تمایزات مردم‌سالاری دینی و غربی پرداخته است و، در راه توضیح این مهم، برخی شبهات را پاسخ داده است. توضیح اهمیت فرهنگ، ضمن اشاره به تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم وجود پیوست فرهنگی برای فعالیت‌های مهم، از جمله مباحثی است که در این مباحثه مورد تأکید قرار گرفته است.



مردم‌سالاری دینی وشالوده‌های نظری آن

گفت‌وگو با دکتر پرویز امینی*

اشاره

پرویز امینی، دانشجوی دکترای علوم سیاسی در دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، نویسنده کتاب‌های «مهار قدرت در مردم‌سالاری دینی» و «جامعه‌شناسی ۲۲ خرداد» است. وی در مصاحبه پیشروی وی به بررسی چندوچون مطالعه مردم‌سالاری دینی پرداخته است؛ به زبان دیگر کانون مصاحبه نه در توضیح مضامین مرتبط با مردم‌سالاری دینی بلکه در تبیین شیوه نیل به آن، به مثابه یک نظریه، و نحوه مطالعه آن قرار گرفته است. بیگمان نگاه‌هایی از این دست به این مقوله حایز اهمیت است و باید مورد اهتمام بیشتر قرار گیرد.



مانعی مستحکم بر سر راه استبداد و خود کامگی نظام مردم سالاری دینی؛

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین رضا غلامی*

اشاره

در گفت و گویی که با حجت الاسلام دکتر رضا غلامی، رئیس مرکز پژوهش های علوم انسانی اسلامی صدرا انجام گرفته ایشان از منظرهای مختلفی به مقوله نظام مردم سالاری دینی پرداخته است. مباحثی همچون «امکان معرفت شناختی» مردم سالاری دینی، ویژگی های متمایز مردم سالاری دینی و دلالت های نظری و مفهومی و شاخص های کار آمدی آن، تفاوت های نظام مردم سالاری دینی با نظام دموکراسی لیبرال و مباحثی از این دست محور گفت و شنود زیر با ایشان را شکل می دهد. به باور وی، ما نیازمند یک ابر نظریه در عرصه مردم سالاری دینی هستیم. تا این نظریه مادر و کلیدی تولید نشود، طبیعی است که دست یابی به الگو و نظام مورد نظر، ممکن نیست.

معرفی کتاب

-  مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
معرفی و نقد: دکتر احمد جنت‌امانی ۲۰۷
-  کتاب مهار قدرت در مردم‌سالاری دینی
بر اساس دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و قانون اساسی
معرفی: م. مختاری ۲۱۳
-  مجموعه مقالات اولین همایش ملی
مردم‌سالاری دینی (۳ جلد)
معرفی: م. مختاری ۲۱۷
-  گزارشی از سومین همایش
ملی مردم‌سالاری دینی
حجت‌الاسلام والمسلمین داود رنجبران ۲۲۱



معرفی و بررسی کتاب مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

مهدی سعیدی



معرفی و نقد: دکتر احمد جنت‌امانی

مقدمه

بدون شک پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، از بزرگ‌ترین حوادث سیاسی خاورمیانه و بلکه جهان در چند سده‌ی اخیر بوده است. معمولاً زمانی که یک نظام سیاسی موفق می‌شود به مرحله‌ی پیروزی برسد، از جهات مختلف در راه تثبیت نظری و عملی خود گام برمی‌دارد. پرواضح است که این امری است معقول و سستی و کوتاهی در آن نامعقول. از سوی دیگر مخالفان آن نظام نیز به هر طریق، چه راه‌های عملی و چه طرق نظری و فکری، سعی در تضعیف و نهایتاً إسقاط آن نظام خواهند داشت.

عظمت بسیار انقلاب اسلامی که انفجار نور و معنویت در عصر دوری بشر از معنویت بود، باعث شد که زورمداران و زراندوزان جهان طی چند دهه‌ی گذشته با تمام توان در راه تضعیف و مخالفت با این نظام مقدس قدم بردارند و چیزی هم جز این، از اینان انتظار نمی‌رفت؛ اما امری که موجب تعجب و شگفتی است اهمال برخی از علاقه‌مندان صاحب‌نظر انقلاب به مقوله‌ی نظریه‌پردازی جهت تحکیم مبانی نظری این انقلاب است؛ امری که مقام معظم رهبری آن را یکی از نقائص نهادها و خواص جامعه‌ی ما می‌دانند. البته بقا و حفظ نظام در قبال هجوم‌های نظامی و فکری و رسانه‌ای دهه‌های اخیر و نیز

کم‌کاری ما در مسیر تقویت مبانی فکری نظام خود، به برهانی قاطع برای بسیاری در اثبات حقانیت این نظام است؛ ولی این دلیل نمی‌شود که در راه نظریه‌پردازی کوتاهی شود. یکی از مراکز که در زمینه‌ی تحکیم مبانی فکری و پیشینه‌ی سیاسی انقلاب اسلامی بسیار فعال و پرکار است، «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» است؛ مرکزی که از برخی جهات در میان مهم‌ترین مجموعه‌ها برای انجام امور تحقیقاتی در رابطه با نظام مقدس به شمار می‌رود. کتاب «مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» یکی از آثار جدید این مرکز است؛ اثری که در بهار سال ۱۳۹۲ منتشر شده

کتاب مه‌ار قدرت در مردم‌سالاری دینی بر اساس دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و قانون اساسی

پرویز امینی



معرفی: م. مختاری

نظر مقام معظم رهبری در مورد مطالعه کتب سیاسی

مقام معظم رهبری در خصوص لزوم مطالعه کتب سیاسی می‌فرمایند: «آثار سیاسی که آگاهی دهنده به ملت ما باشد و بتواند قشرهای مختلف را دارای مغز سیاسی و قدرت تحلیل بکند، خیلی کم داریم، و این چیزی است که انقلاب به آن نیاز دارد. البته روزنامه‌ها و رسانه‌ها و برخی از سخنرانی‌ها امروز تاحدی نیازها را برآورده می‌کنند و در حدی که جامعه‌ی ما را سیاسی نگه دارند، خوب است؛ اما در حدی که قدرت بینش سیاسی و اوج این بینش را در افراد به وجود بیاورند، نه این طور نیستند؛ کتاب لازم است. جای

کتاب را در این زمینه هیچ چیز پر نخواهد کرد».

«مه‌ار قدرت در مردم‌سالاری دینی بر اساس دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و قانون اساسی» از جمله‌ی این کتاب‌ها است. این کتاب به قلم پرویز امینی دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد. او در مورد انتخاب منابع در این کتاب می‌گوید: قانون اساسی نتیجه دیدگاه‌های اکثریت فقهای مجلس خبرگان است، که از این دیدگاه قانون اساسی نه تنها یک متن حقوقی، بلکه «متن نظری» به حساب می‌آید و نشان‌دهنده‌ی دیدگاه جمعی مجتهدان به نظام سیاسی اسلام است. همچنین

امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، طرح‌کننده‌ی نظام «جمهوری اسلامی» است و یک دهه نیز رهبری نظام سیاسی جمهوری اسلامی را به عهده داشته است. دیدگاه‌های مقام معظم رهبری نیز از این نظر در متن نظریه‌ی مردم‌سالاری دینی قرار می‌گیرد که طرح‌کننده‌ی اصلی «مردم‌سالاری دینی» و بسط‌دهنده‌ی آن بوده‌اند.

کتاب را به نوعی می‌توان شرح و پاسخ به شبهات مسئله‌ی مهم ولایت فقیه دانست. این کتاب توسط مرکز پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی سابق (صدرا) و مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی فعلی در دو فصل منتشر شده

مجموعه مقالات اولین همایش ملی مردم‌سالاری دینی (جلد ۳)

به اهتمام دکتر محمدباقر خرمشاد

نشر معارف، ۱۳۸۵



معرفی: م. مختاری

مقدمه

اولین همایش «مردم‌سالاری دینی در ایران و بیداری اسلامی» در سال ۱۳۸۲ با همکاری نمایندگی نهادهای معظم رهبری در دانشگاه‌ها و دانشگاه علامه برگزار گردید.

با توجه به مفهوم نو و جدید مردم‌سالاری دینی که بعد از انقلاب اسلامی ایران و به برکت آن شکل گرفت تعریف واحد و مشخصی از آن در سطح ملی صورت نگرفته بود لذا این همایش در واقع جهت پاسخ‌گویی به این سؤال که مردم‌سالاری دینی چیست و چه تعاریفی می‌توان برای آن لحاظ نمود برگزار گردید. جهت رسیدن به پاسخ جامع و مانع درباره‌ی این مفهوم همایش فوق با چهار محور

اصلی شامل؛ تعریف مفهومی و تبیین بنیادهای نظری مردم‌سالاری دینی، پیشینه‌ی تاریخی مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری دینی در رویکرد تطبیقی و مردم‌سالاری دینی در رویکردی عمل‌گرایانه شکل گرفت.

در محور اول هدف شناخت مبانی نظری، چیستی، ابعاد گوناگون و مسائل مختلف مردم‌سالاری دینی از دیدگاه‌های مختلف بود.

در محور دوم مراد این بود که سابقه‌ی مردم‌سالاری دینی در کلیه‌ی جوامع از جمله ایران و نیز در میان متفکران و اندیشمندان مختلف ایرانی مورد شناسایی قرار بگیرد

در محور سوم، مقصود ارائه‌ی یک

سلسله‌مباحث مقایسه‌ای بود که در خلال آن مردم‌سالاری دینی با سایر انواع مردم‌سالاری مورد مقایسه قرار بگیرد که بدین‌وسیله با روش و منظری دیگر مردم‌سالاری دینی شناخته شود.

در محور چهارم مطالعه‌ی چگونگی عملکرد مردم‌سالاری دینی از زوایای مختلف مورد نظر بود. اینکه مردم‌سالاری دینی در ایران چگونه توانسته است در حوزه‌های مختلف مربوط به سیاست و حکومت عمل کرده و ارائه‌ی طریق نماید.

ضرورت پرداختن به همایش مردم‌سالاری دینی

بحث از جایگاه و نقش مردم در تأسیس حکومت و نحوه‌ی اداره‌ی



گزارشی از سومین همایش ملی مردم سالاری دینی

حجت الاسلام والمسلمین رنجبران

مقدمه

واژه‌ی مردم سالاری دینی، اصطلاح تازه‌ای در گفتمان سیاسی دنیا است که - برخلاف واژه‌هایی چون جمهوری اسلامی، پارلمان اسلامی و... که همگی ترکیب‌هایی از یک مفهوم غربی به علاوه‌ی یک قید اسلامی هستند- در بستر مبانی سیاسی اسلام و متأثر از آموزه‌های عدالت‌گستر نبوی و علوی روپیده است و طی چند دهه‌ی گذشته به برکت انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته است. این رویکرد بر آن است تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه‌ی سیاست و اداره‌ی امور جامعه و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی، اصول و مبانی ارزشی را رعایت نماید و دارای دو وجه است که یک وجه آن به نقش مردم در تشکیل حکومت و انتخاب مسؤلان

معطوف می‌گردد و وجه دیگر آن رسیدگی به مشکلات مردم است که بر همین اساس مسؤلان باید مشکلات مردم را به طور جدی پیگیری نمایند. اما با وجود گذشت چند دهه از به وجود آمدن آن، هنوز تعریف دقیق و یکسانی از این مفهوم ارائه نشده است و صاحب نظران بر سر تعریف واحدی از آن به توافق نرسیده‌اند. در همین راستا تاکنون چندین همایش ملی جهت گسترش این مفهوم در بین محققین و مدرسین مردم سالاری و مردم سالاری دینی برگزار گردیده است که از آن جمله می‌توان به اولین و دومین همایش ملی مردم سالاری دینی در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۶ اشاره نمود که

موضوعات درخور توجهی نیز در پی داشت و حتی دستاوردهایش برای سایر کشورهای اسلامی ترجمه گردید. در ادامه‌ی آن تلاش‌ها، سومین همایش ملی «نظریه‌ی مردم سالاری دینی» به منظور تعمیق این نظریه و نهادینه کردن آن در نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ارائه‌ی راهکارهای اجرایی مناسب در آذر ماه ۱۳۹۲ در دانشگاه شهید بهشتی برگزار گردید؛ در نوشتار حاضر با نقبی کوتاه و البته به صورت کلی گزارشی موجز در باب موضوعات مطرح شده در این همایش و نتایج آن فراهم و برای مخاطبان تقدیم گردیده است.